

یک ایران پشت سر فرمانده

رژیم صهیونیستی با عبور از تمامی خطوط قرمز، درهای جهنم را به‌روی خود باز کرد

+ پیام تولیت آستان قدس رضوی

+ ملزومات واکنش‌های نظامی و سیاسی / عباس سلیمی‌نمین

+ اقدامی با چراغ سبز آمریکا / سیدجلال ساداتیان

+ انتخاب امرای ارتش و سپاه و یک نکته مهم / محمدکاظم انبارلویی

+ آرایش رسانه‌ای متناسب با وضعیت جنگی بگیریم / اکبر منتجبی

+ چرا این جنگ، همه‌جانبه است؟ / علیرضا کمیلی

+ ایران باید دست به بازی با ریسک بالا بزند / مهدی خانعلی‌زاده

+ مشاهده‌های میدانی خبرنگار قدس از آرامش سطح شهر مشهد

+ صدای همدلی بلندتر از انفجار است

یک ایران پشت سر فرمانده

پس از آن نیز بود که بلافاصله خبر انتصاب‌های جانشینان فرماندهان نظامی توسط فرمانده کل قوا منتشر شد. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در احکامی، امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی را در پی شهادت سردار سپهبد محمدحسین باقری به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح، سرلشکر علی شادمانی را در پی شهادت سردار سپهبد غلامعلی رشید به فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا(ص) و سردار سرلشکر محمد پاکپور را در پی شهادت سردار سپهبد حسین سلامی به فرماندهی کل سپاه پاسداران منصوب کردند.

■ از ترور دانشمندان هسته‌ای تا حمله به تأسیسات اتمی

در کنار اخبار شهادت فرماندهان نظامی، ساعاتی بعد اخبار شهادت تنی چند از دیگر فرماندهان همچون سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران و سردار پاسدار داوود شیخیان، فرمانده پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه نیز منتشر شد. در کنار همه این‌ها، نباید از ترور همزمان دانشمندان هسته‌ای و حمله به تأسیسات اتمی نیز غفلت کرد. اسامی دانشمندانی که در این حملات به شهادت رسیدند عبارت‌اند از: عبدالحمید مینوچهر، احمدرضا ذوالفقاری، سید امیرحسین فقهی، نادر مطلبی‌زاده، محمدمهدی طهرانچی و فریدون عباسی. چهره‌هایی که از فعال‌ترین شخصیت‌ها در حوزه‌های فیزیک هسته‌ای، نانو فناوری، مهندسی راکتور، پرتوهای صنعتی، فیزیک نظری و فناوری‌های نوین بوده‌اند. تأسیسات هسته‌ای نظیر و اراک از جمله نقاطی بودند که هدف حملات قرار گرفتند.

■ یک ایران پشت سر فرمانده

با وجود همه این جنایت‌ها، مردم روز جمعه در نمازهای جمعه، میادین اصلی شهر و کوچه و خیابان حاضر شدند و با فریادهایی آمیخته با خشم و انتقام نشان دادند یک ایران، گوش به فرمان فرمانده کل قوا آماده است تا به حیات منحوس این رژیم پایان دهد.

نکته‌ای که در پیام مسعود پزشکیان، رئیس جمهور نیز خطاب به ملت ایران روی آن تأکید شده بود: «امروز ملت ایران به یاری خداوند عزیز با چنین روحیه ارزشمندی، پاسخ سخت، خردمندانه و قوی به جنایت رژیم اشغالگر خواهد داد که امروز منفورترین موجودیت نزد افکار عمومی جهانیان، مردم منطقه و ملت ایران است و با هدایت و رهبری فرمانده معظم کل قوا از این میدان سخت نیز با سربلندی و عزت بیرون خواهد آمد».

محسن فاطمی‌نژاد | «عبور از تمامی خطوط قرمز؛ هیچ ترکیب دیگری از کلمات جز این، آنچه رژیم صهیونیستی با اطلاع، چراغ سبز و تجهیزات و مهمات تماماً آمریکایی در بامداد جمعه انجام داد را توصیف نمی‌کند. حمله با چراغ سبز آمریکایی‌ها، همان نکته‌ای بود که دونالد ترامپ نیز گستاخانه آن را تأیید و اعلام کرد این حملات تمام و کمال با هماهنگی او در پایان فرصت مذاکراتی که او برای ایران تعیین کرده بود، صورت گرفته است.



■ رهبر معظم انقلاب اسلامی: رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد

با در نظر داشتن این گستاخی، اعلام اخبار لحظه به لحظه و غیررسمی درباره شهادت نزدیک به ۱۰۰ نفر و بیش از ۳۰۰ مجروح در جنایت صهیونیست‌ها به خصوص در حمله به اماکن مسکونی و به شهادت رساندن غیرنظامیان، همان طور که در پیام رهبر معظم انقلاب نیز تأکید شده بود، خبثت ذاتی رژیم صهیونیستی نمایان شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی جنایت سحرگاهی رژیم صهیونیستی خطاب به ملت بزرگ ایران پیام صادر کرده و گفتند: «رژیم صهیونی در سحرگاه امروز، دست پلید و خون‌آلود خود را به جنایتی در کشور عزیزمان گشود و ذات خبیث خود را با زدن مراکز مسکونی بیش از گذشته آشکار کرد. رژیم باید منتظر مجازاتی سخت باشد. دست قدرتمند نیروی مسلح جمهوری اسلامی او را رها نخواهد کرد باذن‌الله».

اعلام خبر شهادت فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای در کنار اعضای خانواده‌شان نیز نشان داد صهیونیست‌ها در نهایت سبعت و درندگی، همان شیوه همیشگی ترور بدون در نظر داشتن هیچ ملاحظه‌ای را پیش گرفته‌اند. سردار باقری در کنار دخترش که خبرنگار بود، سردار دکتر طهرانچی به همراه همسرش که یک مادر و خادم حرم بود و سردار غلامعلی رشید به همراه پسرش که طلبه‌ای فاضل بود به شهادت رسیدند.

■ انتصاب‌های فرمانده کل قوا در پی شهادت فرماندهان

فرمانده کل قوا، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در ادامه این پیام، با تأکید بر اینکه «رژیم صهیونی با این جنایت، برای خود سرنوشت تلخ و دردناکی تدارک دید و آن را قطعاً دریافت خواهد کرد» و با اشاره به اینکه «در حملات دشمن، تنی چند از فرماندهان و دانشمندان به شهادت رسیدند» اعلام کردند: «جانشینان و همکاران آنان بی‌درنگ وظایف خود را پی خواهند گرفت».

پیام تولیت آستان قدس رضوی

بسم الله الرحمن الرحيم
جنایت فجیع و غیرانسانی رژیم کودک‌کش صهیونیستی در به‌شهادت‌رساندن فرماندهان رشید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشمندان فرهیخته و شماری از زنان و کودکان بی‌گناه، بار دیگر ماهیت خبیث، ضدانسانی و ضدایرانی این رژیم جعلی را برای جهانیان آشکار ساخت. رژیمی که بقای نامشروع خود را در ناامنی منطقه و خون‌ریزی ملت‌های مظلوم جست‌وجو می‌کند، این بار نیز با ارتکاب جنایتی هولناک، نشان داد که از هیچ اقدام پلید و ضدبشری برای پیشبرد اهداف نامشروع خود فروگذار نیست. بی‌تردید این اقدام ددمنشانه، مصداق بارز تروریسم دولتی و تجاوز آشکار به تمام ارزش‌های انسانی، قوانین بین‌المللی و اصول بنیادین اخلاقی است. ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ پرفرازونشیب خود ایستادگی در برابر ظلم و استکبار را به‌عنوان اصلی خدشه‌ناپذیر برگزیده است، این بار نیز با وحدت، همدلی و بصیرتی ستودنی و با تکیه بر هدایت‌های حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله‌العالی، پاسخی کوبنده، پشیمان‌کننده و درخور شأن به این جنایت خواهد داد. ایران، ایران امام رضا(ع) است. این سرزمین نورانی، تحت عنایت خاصه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) و در پرتو هدایت ولی‌فقیه زمان، از آزمون‌های سخت تاریخی سربلند بیرون آمده و این بار نیز با دعای خیر ملت مؤمن و مجاهد و مجاهدت بی‌وقفه رزمندگان اسلام، بی‌تردید به نصرت و پیروزی نهایی دست خواهد یافت.

این جانب در جوار مضجع منور حضرت ثامن‌الحجج(ع) ضمن محکومیت شدید این جنایت نابخشودنی که تعدادی از این فرماندهان و دانشمندان از خادمان حضرت‌رضا(ع) بودند، این مصیبت جان‌سوز را به محضر فرمانده معظم کل قوا، خانواده‌های معزز شهدا، ملت شریف ایران و خادمان حضرت‌رضا(ع) تسلیت و تبریک عرض می‌نمایم و از درگاه حضرت حق، علو درجات برای شهدای والا مقام و صبر و اجر جزیل برای بازماندگان گرامی مسئلت دارم. احمدمروی



فراتر از انتقام



مهدی حسن‌زاده | جنایت

وحشیانه صهیونیست‌ها در به شهادت‌رساندن جمعی از فرماندهان نیروهای مسلح، دانشمندان هسته‌ای و جمعی از مردم، فضای خاصی را در کشور ایجاد کرده است. آمیزه‌ای از حس انتقام و تلاش برای حفظ کشور در برابر حمله دشمنی که سیاه جنایت‌اش در غزه نشان داد چه اندازه بی‌رحم است، ایجاد شده است. ما در مقطعی حساس از تاریخ ایران زمین به تقابلی سخت با اصلی‌ترین دشمن ایران رسیده‌ایم. در این میان شاید در بین همه احساساتی که قلب ما را درمی‌نورد، حس انتقام و خون‌خواهی شهدایی که برای این مرز و بوم خون دادند، بیش از سایر حس‌ها غلبان دارد. حق هم همین است که ان‌شاءالله به زودی شاهد انتقام سخت از جانیان صهیونیستی و به درک واصل شدنشان باشیم اما آنچه در تحلیل شرایط و در نگاه و افق دید ما در ارتباط با این واقعه باید ملاحظه شود، چیزی فراتر از انتقام است. ما در عمل و در شرایطی که به طور مستقیم مسیر دیپلماسی با آمریکا را طی کرده بودیم و حتی زمان و مکان نشست دور بعد مذاکرات نیز اعلام شده بود، به ناگاه با حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی مواجه شدیم. این حمله و ابعاد آن حتی در مقایسه با ترور شهید سرافراز سپهبد حاج قاسم سلیمانی ابعاد امنیتی و نظامی خطرناک‌تری دارد. تجاوز رسمی و مستمر به حریم هوایی جمهوری اسلامی ایران، شهادت جمعی از بلندپایه‌ترین فرماندهان سپاه پاسداران و نیروهای مسلح، ترور هدفمند جمعی از دانشمندان هسته‌ای و حمله به زیرساخت‌های صنعت هسته‌ای در حقیقت آغاز جنگی تمام‌عیار علیه کشورمان است. ما در حقیقت با تهدیدی وجودی مواجه شده‌ایم و فارغ از هر گونه اقدام سیاسی و دیپلماتیک، پاسخ نظامی هم مشروعیت قانونی از منظر حقوق بین‌الملل دارد و هم فراتر از آن، نخستین و مهم‌ترین پاسخی است که باید از سوی ما صورت گیرد.

به بیان صریح‌تر، پاسخ به حمله صهیونیست‌ها، نه فقط از منظر انتقام و تشفی خاطر ضروری

است که فراتر از آن برای نجات ایران نیز ۱۰۰ درصد ضروری است. اینجا جای کم آوردن و سست شدن و دلخوش کردن به پیغام‌ها و پسغام‌های سیاسی و دیپلماتیک نیست. اگرچه همواره و در هر شرایطی باید از تلاش‌های دیپلماتیک برای همراه کردن متحدان، فضا سازی علیه دشمنان و هر گونه اقدام سیاسی استفاده کرد اما همه این‌ها باید مکمل اقدام قاطع ما در میدان باشد. اکنون که تهدید کاملاً صریح و خطر جدی نه فقط اصل جمهوری اسلامی ایران، بلکه سرزمین ایران را تهدید کرده است، آنچه در چنته داریم از همه توان نظامی تا توان منطقه‌ای و حتی پاسخ‌هایی غیرقابل پیش‌بینی و هزینه‌زا نه فقط برای رژیم صهیونیستی که برای حامیان آن از جمله ایالات متحده آمریکا را نیز نباید از نظر دور داشت. در کنار هر پاسخ نظامی علیه رژیم منحوس صهیونیستی، تهدید زیرساخت‌های انرژی جهان در منطقه و فشار آوردن بر گلوگاه نفت و گاز جهان را نباید از نظر دور داشت. باید حامیان این رژیم در حدی که موجب اثرگذاری باشد، هزینه آزاد گذاشتن این سگ‌ها و حمایت کردن از این موجود پلید را متحمل شوند. طبیعتاً پاسخ اصلی باید معطوف به خود رژیم صهیونیستی باشد اما در طراحی عملیات و نوع پاسخ اگر به هر دلیلی دسترسی به حریم این رژیم سخت باشد، پاسخ از جنسی که موجب جهش قیمت نفت و به خطر انداختن امنیت انرژی در سطح جهان باشد و بازدارندگی را برای ما به ارمغان آورد، نباید از روی میز کنار رود. به بیانی دیگر اگر قرار باشد امنیت ما به خطر بیفتد و دیگران تماشایی و بلکه پشتیبان و مشوق جنایتکاران باشند، باید هزینه پشتیبانی و تشویق خود را نیز بدهند. در نهایت همگی پشت سر فرماندهی کل قوا و فرماندهانی که جایگزین شهدای عزیزمان شده‌اند هستیم و از هر تدبیری که با توجه به مقتضیات طراحی شود حمایت خواهیم کرد اما همه باید بدانیم در جنگی سخت قرار داریم و نباید با تحلیل‌های محافظه‌کارانه و دلخوش کردن به وعده‌های احتمالی حامیان رژیم صهیونیستی، گزینه‌های پاسخ سخت را محدود کنیم.

«تله صلح» برای جنگ



محمد ولیان‌پور | اگر تاکنون عده‌ای

نگران بهانه دادن به دست دشمن بودند و همه را از افتادن در «تله جنگ» حذر می‌دادند، عملیات پیش‌دستانه اسرائیل ثابت کرد جنگ برای رژیم‌های توسعه‌طلب نیازی به بهانه ندارد. حالا در حالی که مذاکره با آمریکا جریان داشت و دیپلمات‌ها برای دور بعدی آن در روز یکشنبه آماده می‌شدند، لایحه اف‌ای‌تی‌اف به تصویب رسیده بود، در سوریه و لبنان حضوری نداشتیم و حتی پرچم‌های حمایت از فلسطین از ورزشگاه‌ها جمع‌آوری می‌شد، هدف شدیدترین حملات هوایی در تاریخ کشور قرار گرفتیم.

حملاتی که اسرائیلی‌ها اسمش را عملیات نمی‌گذارند، بلکه اصرار دارند آن را «جنگ وجودی» بنامند. دیگر جایی برای سخن گفتن از «سایه جنگ» و «تله جنگ» نیست، کشور ما در مرکز جنگی تمام‌عیار است که اتفاقاً در اوج کنش‌های صلح‌طلبانه و مذاکره با آمریکا اتفاق افتاد. جنگی که با «تله صلح» در دامش افتادیم.

صلح‌طلبی و درخواست مذاکره ترامپ درست وقتی اتفاق افتاد که مردم ایران در انتظار عملیات وعده صادق ۳ و پاسخ به حملات اسرائیل به مراکز نظامی ایران بودند. حملاتی که پنج شهید از ارتش جمهوری اسلامی را از ملت ایران گرفت. همان زمانی که به تعبیر رهبر معظم انقلاب درگیر جنگی وجودی با رژیم صهیونیستی بودیم.

مذاکره با آمریکا بود که امید به صلح را زنده کرد و کشور برای مدتی از میدان جنگ وجودی دور شد. حالا می‌توانستیم فقط نظاره‌گر سقوط سوریه و عقب‌نشینی حزب‌الله و کتاب عراق و بمباران یمن باشیم. امیدی که تا ۲ ساعت و ۴۹ دقیقه پیش از حمله با قوت ادامه داشت: «ما به دستیابی به راه حل دیپلماتیک برای مسئله هسته‌ای ایران متعهد هستیم. تمام ارکان دولت من بر گفت‌وگو با ایران متمرکز است. می‌خواهم با ایران به توافق برسم و به این توافق بسیار نزدیک هستیم. ایران می‌تواند به کشوری بزرگ تبدیل شود!». این آخرین پیام ترامپ در پایان ضرب‌الاجل دوماه‌اش برای به نتیجه رسیدن مذاکرات با ایران بود که ساعاتی پیش از حمله اسرائیل منتشر کرد تا خیال ایرانی‌ها را بابت پالس‌هایی که از حملات قریب‌الوقوع دریافت کرده بودند، راحت کند. پیامی که به ادعای منابع عبری به سفارش اسرائیلی‌ها صادر شده تا حملات با بیشترین تأثیر به انجام برسد.

او البته صبح دیروز اعتراف کرد در جریان این حملات قرار داشته و به نوعی بر این تقسیم کار با اسرائیل صحنه گذاشت: «ایالات متحده مرگبارترین تجهیزات نظامی جهان را می‌سازد که اسرائیل مقادیر زیادی از آن را در اختیار دارد و خوب می‌دانند چگونه از آن استفاده کنند». حالا روشن شده مشارکت آمریکا در حمله اسرائیل چیزی فراتر از پشتیبانی مالی، نظامی و اطلاعاتی است. فراتر از تأمین تسلیحات و دفاع هوایی و سوخت‌گیری جنگنده‌ها با تانک‌های سوخت‌رسان و تأمین حریم هوایی روی عراق، سوریه و اردن. آمریکا حتی دیپلماسی و صلح‌طلبی خود را نیز در خدمت جنگ قرار داده است.

گفت‌وگوهای دیپلماتیک گرچه در هر شرایطی، حتی با دشمن در حال جنگ نیز می‌تواند جریان داشته باشد، اما نمی‌تواند مانع تلاقی حملات نظامی یا غفلت از او و در واقع خدشه‌دار شدن بازدارندگی نظامی کشور باشد، وگرنه چنین مذاکره‌ای چیزی جز «تله مذاکره» برای تداوم جنگ از موضع ضعف نخواهد بود.

جنگی که آغاز شد



علیرضا تقوی‌نیا، تحلیلگر

مسائل منطقه | دیر یا

زود پیش‌بینی می‌شد جنگ میان اسرائیل و ایران آغاز شود اما با اقدام بامداد روز جمعه رژیم صهیونیستی این نبرد رسماً کلید زده شد. درباره چرایی آن دیگر نباید بحث کرد اما عجالتاً باید چند مطلب را رعایت کرد:

۱- حفظ انسجام داخلی و حمایت از نیروهای مسلح: در حال حاضر صحبت از اختلافات داخلی و جناحی سم مهلک است و تمام مسئولان در قوای مختلف

و مردم باید همگی پشت سر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بایستند. بی‌شک دشمنانی که چشم به تضعیف روحیه ملت ایران دارند، عملیات خود را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که اعتماد به نفس عمومی در ملت ایران کاهش یابد.

۲- واکنش ایران باید خارج از قاعده و ذهنیت طرف مقابل باشد؛ به گونه‌ای که پیش‌بینی آن را نکرده و به شدت مستأصل شود.

۳- خروج از معاهده ان‌پی‌تی باید در دستور کار مجلس قرار گیرد و هر چه سریع‌تر تصویب شود.



زندگی جریان دارد

این روز داشتیم مرغ و گوشت قرمز موجود کردیم و مشتری خود را داشتیم. قیمت‌ها تغییر خاصی نداشته و به ما اعلام شده در تأمین گوشت سفید و قرمز کمبودی در انبارها وجود ندارد و بازار هم مثل همه روزهای دیگر است.

مسئول فروش یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای در بولوار کلاهدوز مشهد که دقت نظر خوبی قبل از مصاحبه داشت و تا پیش از تأیید هویت خبرنگار از ارائه هر گونه مصاحبه‌ای با این استدلال که در شرایط خاص جنگی نباید به هر شخصی اعتماد کنیم خودداری کرد، پس از بررسی دقیق هویت خبرنگار قدس خراسان عنوان کرد: فروشگاه ما فروشگاه نسبتاً بزرگی است و از صبح امروز (جمعه) طبق برنامه قبلی باز هستیم. تأمین و ارائه کالاهای اساسی را در اولویت داریم و براساس تصمیم کلی که در همه فروشگاه‌های ما گرفته شده؛ هیچ کالای اساسی در انبارهای ما به عنوان دیو وجود ندارد و تمام این اقلام به فروشگاه منتقل شده است تا در دسترس و جلو دید مردم باشد. ساعات کار ما هم تغییر نکرده و جریان عرضه کالا به شهروندان معمولی است.

صاحب یکی از میوه‌فروشی‌های نسبتاً بزرگ در سطح شهر نیز همه چیز را عادی توصیف و بیان کرد: ما میوه‌فروش‌ها در هر شرایطی به خاطر نوع اجناسمان مجبور هستیم مغازه خود را باز کنیم و سر کار بیاییم و در بازار فروش میوه‌های من در همین راسته بولوار هیچ تغییری ایجاد نشده؛ حقیقتش هفته پیش هم من مشتری چندانی نداشتم و امروز هم همین طور بوده و اصلاً احساسی از غیرعادی بودن شرایط ندارم.

سخنان مسئولان هم حاکی از آرامش خاطر در تأمین کالاهای اساسی، سوخت و موارد دیگر است اما در این میان همشه‌ریانی هم بر اساس احساسات گمان می‌کنند لازم است بیش از نیاز خودشان خرید کنند که لازم است مسئولان در این زمینه تدبیر لازم را داشته باشند تا رفتار احساسی عده‌ای چالشی در جامعه ایجاد نکند.

شهادت غیورمردان این سرزمین و کشتار مردم بی‌گناه قلب هر ایرانی را به درد می‌آورد و تنها یک «مجازات سخت» می‌تواند مرهمی بر این زخم باشد اما نشانه‌های همراهی و همدلی میان مردم و کارناوال‌های غدیر که از عصر جمعه حرکت خودشان را در سطح شهر مشهد آغاز کردند و وجود پرتعداد پرچم ایران همراه با سرودهایی که بر اتحاد، همدلی، استکبارستیزی و ولایت‌پذیری تأکید دارند؛ همان شاه‌کلیدی است که می‌تواند نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب کند و تا این ساعت مردم نشان داده‌اند در برابر دشمن همه یکصدا پشت سر ولی هستند.

طاهره فجر داودلی | پس از



حمله ناجوانمردانه رژیم منحوس صهیونیستی به خاک کشورمان، مردم شهر مشهد هم مانند همه شهرهای دیگر همراه هم شدند و در ساعات اولیه صبح حتی پیش از آغاز نماز جمعه خود را به حرم مطهر امام رضا(ع) رساندند تا زیر سایه امام هشتم(ع) فریادهای مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا را در محکومیت این حمله سر دهند.

این حرکت خودجوش مردمی که با راهپیمایی پس از نماز جمعه ادامه پیدا کرد نشان از خشم و انزجار مردم داشت، مردمی که ناامید یا مضطرب نیستند و از شهادت کودکان، زنان، غیرنظامیان و فرماندهان نظامی کشور دلشان به درد آمده و در برابر خط قرمز حمله به وطن جوش و خروش انقلابی خود را با مشت‌های گره کرده و فریادهای از حنجره برآمده نشان می‌دهند.

اما این گوشه‌ای از شهر است؛ ظهر و عصر روز جمعه با گشت و گذاری در شهر می‌توان آرامش یک روز تعطیل را دید که در قلب شهر جریان دارد و زندگی روال عادی خود را طی می‌کند. گوشه گوشه شهر را سر می‌زنم؛ از برپایی موبک‌های بزرگداشت غدیر که سرودهای استکبارستیزی و ولایتی پخش می‌کردند تا فروشگاه‌ها و مغازه‌هایی که مثل هر جمعه دیگر در خیابان‌های احمدآباد، فلسطین، جلال آل‌احمد، استقلال، کلاهدوز، فردوسی، ابوطالب، شهید دستغیب و دیگر نقاط شهر کم و بیش چراغشان روشن بود و به کسب و کار خود مشغول بودند، یا ترافیک معمول خیابان‌ها در مناطق مختلف شهر مشهد نشان می‌داد مردم نه تنها رصد شرایط را به درستی انجام می‌دهند بلکه با رفتار خود تلاش می‌کنند همراهی واقعی‌تری داشته باشند.

با وجود بسته بودن برخی مغازه‌ها که طبق روال روزهای تعطیل و هر جمعه، این تعطیلی برقرار است اما صف خریدی در فروشگاه‌ها به چشم نمی‌خورد و همین آرامش نشان از فهم مردم دارد. وجود اجناس و کالاهای اساسی در قفسه‌ها، ثبات قیمت‌ها، باز بودن انواع فروشگاه‌های خدماتی یا حتی فروشگاه‌های لوازم خانگی که به گفته صاحبان آن‌ها مثل هر جمعه معمولی دیگر سر کار آمدند خاطر جمعی خاصی به دل آدم می‌اندازد که می‌تواند هر نقشه پلیدی را از این مردم دور کند.

صاحب یکی از فروشگاه‌های بزرگ عرضه مواد پروتئینی در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: مثل هر جمعه دیگر فروشگاه ما هم فعال بود و مانند همه هفته‌های دیگر برابر با میزان فروشی که در

انتخاب امرای ارتش و سپاه و یک نکته مهم

محمدکاظم انبارلویی، کارشناس مسائل سیاسی |



حمله رژیم صهیونیستی به مراکز نظامی و فرماندهان ارتش کشورمان، فقط یک حرکت کور نبود؛ بخشی از جنگی است که مدت‌هاست شروع شده، اما حالا دارد وارد مرحله جدیدی می‌شود. اینکه دشمن جرئت کند فرماندهان ما را هدف قرار دهد، قطعاً نباید بدون پاسخ بماند. البته که پاسخ ایران هم قطعاً در همین سطح نیست؛ باید بزرگ‌تر، دقیق‌تر و کوبنده‌تر باشد. اگر آن‌ها فرمانده می‌زنند، باید بدانند رهبران سیاسی و نظامی خودشان هم دیگر جای امنی در دنیا نخواهند داشت. از طرف دیگر، یکی از نکاتی که باید به آن توجه کرد، واکنش سریع و قاطع فرماندهی کل قوا بود. بلافاصله پس از شهادت برخی فرماندهان، بدون معطلی، جایگزین‌ها مشخص شدند. انتخاب امیر سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی، سردار محمد پاکپور و سردار علی شادمانی به جای فرماندهان شهید، این یعنی ساختار سپاه و ارتش به قدری دقیق و منظم است که با شهادت چند فرمانده، حتی یک لحظه هم از حرکت نمی‌ایستد. این ساختار مثل بدنی است که خودش را ترمیم می‌کند، حتی قوی‌تر هم می‌شود. اما شاید بخش کمتر گفته شده ماجرا، آن اسناد محرمانه‌ای باشد که به دست ایران افتاده. چیزی در حدود ۱۰ میلیون سند فوق‌سری از دل ساختار نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی. اطلاعاتی درباره کسانی که در ساخت و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی نقش دارند؛ با اسم، مشخصات کامل و جایگاه سازمانی‌شان. حالا دیگر جمهوری اسلامی دقیقاً می‌داند چه کسانی در این پروژه‌های مرگبار دست دارند.

پرسش اینجاست حالا که این اطلاعات در اختیار ماست، نباید کاری کرد؟ چرا، باید. یکی از راه‌های پاسخ به جنایت‌های اسرائیل همین است که این افراد دیگر جایی برای فرار نداشته باشند. نه در تل آویو، نه در نیویورک، نه در هیچ جای دنیا. کسی که در پروژه‌های مرگ نقش دارد، باید منتظر روزی باشد که خودش هم در معرض نابودی قرار بگیرد. حالا دیگر باید گفت بازی عوض شده. دشمنی که تصور می‌کرد می‌تواند با چند عملیات ایدایی، ما را به عقب براند، حالا باید خودش را برای روزهای سخت آماده کند. روزهایی که در آن، پاسخ‌ها فقط محدود به خاک منطقه نخواهد بود. ضربه، جایی می‌نشیند که صدا بلند شود و اثر بگذارد.

شروع ماجرا

مجتبی خاتونی | نه این شروع ماجراست، نه به این



زودی‌ها تمام خواهد شد... شروع ماجرا آنجا بود که ایران پس از تحمل یک دوره طولانی حقارت ناشی از بی‌عرضگی و وابستگی شاهان و حاکمان، سر برآورد و ما به نظاره گذشته سپاه و آینده مبهم خود ننشستیم که ایستادیم و قیام کردیم. حالا که در این ساعات و لحظه‌ها، هر آن خبر از اصابت تیر خصمی به تن مام میهن، روحمان را می‌درد؛ حال که آن خبرگزاری صهیونیستی فاش می‌کند تصمیم اجرای این تهاجم پس از تحقق نیافتن عملیات وعده صادق ۳ و عدم پاسخ مستقیم به آخرین شرارت غاصبان فلسطین گرفته شد، و درست در زمانی که «غیرعاقله» و «غیرشرافتمندانه» بودن هر گونه یکجانشینی با حرامیان معاصر را با گوشت و خون ایرانی لمس کرده‌ایم؛ لازم است به یاد آوریم که این نه یک حمله تروریستی یا چیزی شبیه به آن، که یک جنگ تمام‌عیار است، جنگی که موجودیت ما را می‌خواهد، تمامیت ما، اسلامیت و ایرانیت ما را. ما انتخاب کردیم در جغرافیای کربلا و در این تاریخ عاشورایی، سمت حسین بن علی(ع) بایستیم؛ شاید چند صباحی دلمان برای امان‌نامه‌ای لرزیده باشد؛ شاید از محاصره زخم خورده باشیم و شاید...

اما نه! هیچ‌گاه از حسین(ع) دست نکشیدیم... آن گاه که او ندای «هل من ناصر» سر می‌داد و حتی آنجا که می‌فرمود «اگر دین ندارید، آزاده باشید»، اتفاقاً بذر هویت وجودی ما را می‌کاشت که انسان ایرانی نمی‌توانست یک نظاره‌گر بی‌طرف یا از آن بدتر، شریک صهیون در کشتارگاه انسانیت و در تئاتر نسل‌کشی فلسطین باشد! این جنگ، وجودی است و خیلی پیش‌تر از این شروع شده است! ما به انتخاب میان دو گزینه مجبور شدیم؛ یا در کنار ظالم باش و مظلومان را بکش یا مظلوم باش و کشته شو! و ما راه سوم را پیش گرفتیم؛ عهد ما این بود که کنار مظلوم و پیش روی او، با سینه‌ای ستبر، قوی شویم و این نظم وحشیانه را بر هم بزنیم؛ اینکه در این راه تا چه اندازه موفق بوده‌ایم، امروز و فردا مشخص خواهد شد.

استراتژی جنگ باید تغییر کند



**ناصر ترابی، مدیر اندیشکده
جهادی | رژیم منحوس**

صهیونیستی در یک حماقت تمام‌عیار بامداد ۲۳ خرداد به ایران حمله کرد و دکمه کلید جنگ را زد. اقدامی بسیار تلخ که در شب عید اکبر حال همه ایرانیان و دلدادگان به جبهه مقاومت را دگرگون کرد. فارغ از حاشیه‌ها و نوع اقدام‌ها، چهار پرسش اساسی ذهن مردم را درگیر کرده: یک، چرا اسرائیل دست به این اقدام عجیب زد؟ دو، آیا به نتیجه مطلوب رسید؟ سه، پاسخ ایران چگونه باید باشد؟ چهار، نتیجه این جنگ چه خواهد شد؟

در پاسخ به پرسش اول و چرایی این اقدام باید از چند موضع و زاویه به مسئله پرداختیم: نخست شرایط شخص نتانیاهو است که به دلیل خروج خریدی‌ها از کابینه، دولت او در حال فروپاشی جدی قرار داشت. ضمن اینکه پرونده‌های قضایی، وضعیت اعتباری او را به اقدام نظامی ترغیب می‌کند.

دوم، اینکه اسرائیل در یک جنگ وجودی قرار دارد بنابراین وقتی آینده خود را در خطر نابودی می‌بیند چرا باید حضور سیدحسن نصرالله را تحمل کند؟ چرا باید ایران سالم بماند؟ سوم، بن‌بست جنگ اسرائیل در غزه و نداشتن هیچ آینده روشن در مواجهه با حماس، انگیزه حمله به ایران را بیشتر می‌کند. چهارم، راهبرد سر اختاپوس یا سر مار که مدتی است در دستور کار اسرائیل قرار گرفته، یعنی زدن کانون اصلی و محوری جبهه مقاومت؛ جمهوری اسلامی ایران.

اما در پاسخ به پرسش دوم آیا اسرائیل به نتیجه مطلوب این حملات رسیده؟ در پاسخ به این پرسش باید در ابتدا عرض کرد ما با رژیم صهیونی وارد یک جنگ تمام‌عیار شدیم نه نبرد کوتاه‌مدت و عملیات دستبرد یا عملیات اینچنینی بزن و دررو و در منظر دوم باید بدانیم اهداف اسرائیل از این حمله چه بود؟ نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران؟

اقدامی با چراغ سبز آمریکا



سیدجلال ساداتیان | درباره تحولات اخیر

و گستاخی رژیم صهیونیستی در حمله به خاک کشور عزیزمان نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که چنین حماقتی بدون چراغ سبز آمریکا قطعاً امکان‌پذیر نبود. به اعتقاد من، آمریکای دونالد ترامپ و استیو ویتکاف، پس از دور دوم مذاکرات که در رم اتفاق افتاد با غنی‌سازی در ایران موافقت داشت. این رویکرد واشنگتن به سرعت با واکنش صهیونیست‌ها مواجه شد به گونه‌ای که شخص نتانیاهو با سفر به واشنگتن سعی کرد رأی مقامات واشنگتن را بزند. با این حال اظهارات ترامپ در حضور نتانیاهو و بیان اینکه به دنبال مذاکره با تهران است مانند آب سردی بر پیکر مقام صهیونیست بود. پس از این اتفاق لابی اسرائیل در دولت کنگره و رسانه‌ها برای تغییر دیدگاه واشنگتن در قبال ایران به شدت فعال شد. در پی آن شاهد افزایش فشار بر ترامپ و ویتکاف بودیم که نتیجه آن تغییر لحن مقامات آمریکایی و مطرح کردن ایده غنی‌سازی صفر بود.

این چرخش البته محسوس مواضع کاخ سفید به دلیل تلاش نتانیاهو برای بر هم زدن راه‌های دیپلماتیک بود. نتانیاهو خبیث نگران از به نتیجه رسیدن مذاکرات حال تیر آخرش را از ترکش رها کرده که قطعاً برای او هم کم هزینه نخواهد داشت. ایالات متحده که از ابتدای جنایت‌های رژیم صهیونیستی همراه آن بوده طبیعی است که در این وضعیت جنگی هم پشت این رژیم درخواهد آمد. نوع عملکرد ترامپ و توییت‌های او که ابتدا مدعی شد آمریکا از حمله مطلع نبوده، سپس گفت مطلع بوده اما مشارکت نداشته و در نهایت با طرح تهدیدهای بیشتر، تهران را به راه حل مسالمت‌آمیز و مذاکره فرامی‌خواند گواه این مدعاست.

فارغ از نوع هماهنگی میان تل‌آویو و واشنگتن بر سر حمله جاری به کشورمان یک نکته مهم که نباید درباره آن بی‌تفاوت ماند غافلگیری کشورمان در قبال حمله مذکور بود. نیت نتانیاهو برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش مشخص و لازم بود تمهیدات جدی‌تر در مقابل آن وجود می‌داشت. در این جنایت‌ها ما فرماندهان بزرگی مانند سرلشکر باقری، سردار سلامی، حاجی‌زاده و... را از دست دادیم و به بسیاری از پایگاه‌های ما خسارت وارد شد که این به راحتی قابل جبران نیست. با این حال اکنون وقت اختلاف نیست. کشور در وضعیت جنگی قرار گرفته و اندیشیدن تمهیدات برای این وضعیت بحرانی و هر گونه پاسخ به جسارت دشمن به عهده مسئولان است. در اینجا ما به عنوان تک‌تک شهروندان جامعه هم باید به تصمیم‌گیران اعتماد کنیم؛ چرا که هر گونه اختلاف‌انگیزی در این محیط چیزی جز آب به آسیاب دشمن ریختن، نیست.

عقب‌نشینی ایران از پروژه غنی‌سازی؟ شکست انقلاب اسلامی و دست کشیدن از آرمان‌های خویش؟ شهادت مردم و فرماندهان نظامی ایران؟ نکته قابل تأمل این است که نباید اقدام دشمن خونخوار را کوچک کرد و بی‌ارزش شمرد اما نکته مهم این است که اسرائیل با این اقدام با اقدام‌های اینچنینی به هیچ کدام از اهداف راهبردی ترسیم کرده خود نرسیده و نمی‌رسد، البته مشروط بر اینکه ما نیز هوشمندانه و با شجاعت عمل کنیم. حال ما چه باید بکنیم؟ یک، تغییر رویکرد بدهیم یعنی باید به خود جسارت داد، استراتژی این جنگ باید تغییر کند، حرکت از پدافند به آفند از پاتک به تک. دو، محاسبه‌پذیر نباشیم. سه، به سرعت از ان‌پی‌تی خارج شویم و آزمایش گرم بمب هسته‌ای تاکتیکی را آغاز کنیم. چهار، پاسخ ترکیبی، دردآور، زهرآگین و کوتاه‌مدت باشد (نباید درگیری به جنگ بلندمدت تبدیل شود، طوری باید تنبیه شود که همه محاسبات دشمن تغییر کند). پنج، باید سه هدف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را محقق کند. در حوزه اقتصادی باید قیمت نفت رشد صعودی انفجاری داشته باشد و هزینه آمریکا بالا برود. شهروند نظامی اسرائیل مزه جنگ با ایران را با گوشت و پوست خود بچشد و پرونده نتانیاهو برای همیشه بسته شود.

اما پرسش چهارم و نهایی که مهم‌ترین پرسش است، نتیجه این جنگ چه خواهد شد؟ به فضل الهی و یاری اهل بیت(ع) و همت، هوشیاری و شجاعت مسئولان پایان این جنگ نقطه عطف نابودی اسرائیل خواهد بود، به شرطی که شرایط دشمن و نبرد را خوب بشناسیم و حرفه‌ای عمل کنیم. فراموش نکنیم جمله راهبردی شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی؛ فرصتی که در بحران‌هاست در خود فرصت‌ها نیست. فرصت ضربه سهمگین به دشمن دیرینه و فرصت تغییر راهبرد و رویکرد با نیروهای جوان انقلابی و شجاع.

ایران باید دست به بازی با ریسک بالا بزند



**مهدی خاتعلی‌زاده،
کارشناس مسائل سیاسی |**

معادلات امنیت در غرب آسیا به طور کامل متحول شده و اگر این روند ادامه پیدا کند هیچ واحد سیاسی در این منطقه نمی‌تواند با اسرائیل وارد توازن قوا شود. اسرائیل وارد بازی (رولت روسی) شده! یا من زنده می‌مانم یا دشمن. یک سناریو بیشتر وجود ندارد؛ ایران باید دست به بازی با ریسک بالا بزند.

تنها راهبردی که می‌تواند ماشین جنگی اسرائیل را خاموش کند وارد کردن هزینه به آن است.

هیچ گزینه‌ای وجود ندارد. اسرائیل یا با واکنش تمام‌عیار روبه‌رو می‌شود و تنش در

منطقه کاهش پیدا می‌کند و یا اسرائیل به عنوان نظم‌ساز منطقه به صورت منحصر به فرد، تاج‌گذاری می‌کند.

هر فریم تصویری که از فرو ریختن ساختمان‌های مسکونی در تل‌آویو و حیفا منتشر شود و هر ثانیه فیلمی که جاری شدن خون ساکنان سرزمین‌های اشغالی را به نمایش بگذارد، یک سطح از تنش را کاهش خواهد داد. بالا رفتن هزینه اسرائیل مترادف با تنش‌زدایی در نبرد کنونی خواهد بود.

ایران گزینه دیگری ندارد؛ «بازی با ریسک بالا» نه انتخاب بلکه یک اجبار برای ایران است. هر چقدر دامنه این ریسک بیشتر باشد، احتمال برگشتن ورق به نفع منافع ملی ایران بیشتر می‌شود.

**رژیم صهیونی
باید منتظر
مجازات
سخت
باشد**

آرایش رسانه‌های متناسب با وضعیت جنگی بگیریم



اکبر منتجی، فعال اصلاح طلب

دیروز ما یکی از تلخ‌ترین اتفاقات را در تاریخ کشورمان از سر گذراندیم. جمعی از فرماندهان بزرگ و رزمندگان جان بر کف ایران اسلامی به شهادت رسیدند و این ضایعه، بی‌تردید قابل جبران نیست، هر چند ایران، فرزندان زیادی دارد و این فقدان‌ها مانع از ادامه مسیر نخواهد شد. اکنون ما وارد مرحله جدیدی شده‌ایم؛ دورانی از بحران و جنگ واقعی.

نکته‌ای که باید بر آن تأکید کرد، ضرورت بازتعریف آرایش رسانه‌های کشور است. آنچه دیروز به عنوان فضای رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی معمولی می‌شناختیم، دیگر پاسخگوی شرایط امروز نیست.

رسانه‌ها، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و فعالان فضای مجازی باید توجه داشته باشند که حال، میدان نبرد فقط جغرافیایی نیست، رسانه‌ها هم در خط مقدم جنگ هستند. در چنین شرایطی، پخش هر خبر بدون منبع، دامن زدن به شایعه‌ها، ایجاد ترس و اضطراب در میان مردم و القای ناامیدی بوده که دقیقاً خواسته دشمن است.

امروز بیش از هر زمان دیگری، نیاز به تعهد رسانه‌ای و انضباط خبری داریم. حتی در روزهای تعطیل، رسانه‌ها باید فعال باشند. انتشار ویژه‌نامه‌ها، تحلیل‌ها و گزارش‌های میدانی می‌تواند نشانه‌ای از حضور زنده و پویای جبهه رسانه‌ای ما باشد.

یک هشدار جدی هم در میان است. برخی تحلیلگران معتقدند رژیم صهیونیستی ممکن است به سراغ اقدام‌های خرابکارانه در داخل کشور برود. این اقدام‌ها ممکن است از طریق شبکه‌های وابسته به آن‌ها، یا با تحریک شورشی‌های داخلی دنبال شود. خودشان هم به صراحت گفته‌اند یکی از ابزارهای جنگی‌شان، «آشوب از درون» است.

در این وضعیت، مردم و نهادهای امنیتی باید بدانند وارد شبکه‌ای از جنگ ترکیبی شده‌ایم. هر انتقادی که در شرایط عادی ممکن است مطرح شود، اکنون باید با درک شرایط جنگی، فریز شود، فرصت برای نقد هست، اما نه حالا.

امروز وقت حفظ انسجام، اتحاد و هوشیاری است. خوشبختانه در همه سال‌های گذشته، مردم ایران نشان داده‌اند در زمان تهدید، بیش از همیشه متحد می‌شوند.

در هیچ دوره‌ای، حمله و تهاجم موجب تفرقه نشده؛ برعکس، اتحاد را بیشتر کرده است. این بار هم همین طور خواهد شد.

دشمن باید بداند اگر گلوله‌ای شلیک کند، ما فقط با موشک جواب نمی‌دهیم، بلکه با انسجام ملی پاسخ می‌دهیم.

چرا این جنگ، همه‌جانبه است؟

■ پاسخ مؤثر به حملات رژیم چگونه است؟

حملات وقیحانه رژیم به منازل مسکونی برخی چهره‌های سیاسی، علمی و نظامی کشورمان به همراه حمله به مراکز هسته‌ای و نظامی کشور، نشان از ورود به یک زد و خورد احتمالاً چند هفته‌ای دارد؛ چرا که این حملات و کشته شدن احتمالی چندین غیرنظامی، چیزی نیست که بتوان آن را بدون پاسخ گذاشت.

اتفاقاً پاسخ ما اگر می‌خواهد مؤثر باشد باید علاوه بر مراکز حساس نظامی و هسته‌ای رژیم، به سمت خانه‌های سران این رژیم نیز باشد و خاطره ماندگاری را در محیط شهری آنجا باقی بگذارد و وحشت را بر آنان تحمیل کند. اشتباهی که مقاومت لبنانی انجام داد و فقط برخی مراکز نظامی را هدف قرار داد دیگر با حمله به خانه‌های مسکونی ما، قابل تکرار نیست و حتماً باید حملاتی به مناطق شهری این دولت خبیث انجام شود. البته طبعاً یک حمله ترکیبی همه‌جانبه نیاز داریم.

گرچه این حمله نشان از آمادگی رژیم برای زد و خورد دارد ولی به معنی دست بسته بودن ما نیست و حتماً پاسخ قاطع ما می‌تواند جلو تهاجم گسترده‌تر آن‌ها را بگیرد. تجربه این دو سال نشان داده کوتاه آمدن مقابل این سگ وحشی فقط او را وقیح‌تر کرده است.

علیرضا کمیلی، دبیر اتحادیه تشکلات واحد



و مسئله حمله به ایران در داخل رژیم مطرح شد، ایهود باراک یادداشت مهمی نوشت که در آن اشاره می‌کرد اگر نمی‌توانیم حمله را با فروپاشی رژیم در ایران همراه کنیم نباید این اقدام را انجام دهیم. وی تشکیک کرده بود که آیا ما به اندازه کافی نیروی اجتماعی شورشی در ایران داریم که به سقوط نظام کمک کنند یا نه؟

بنابراین اولاً این جنگ، یک نبرد همه‌جانبه و نهایی برای رژیم است و نباید آن را دست‌کم گرفت. ثانیاً احتمال فعال‌سازی لایه امنیتی یعنی گروهک‌ها و مسلحان جیره‌خور هم در داخل وجود دارد که البته منجر به همدستی آنان با رژیم و زیر سؤال رفتن مشروعیت آنان می‌شود و در سطح بعدی هم برای فعال‌سازی شورش اجتماعی، احتمال زدن زیرساخت‌های اقتصادی و معیشتی هست.

فکر می‌کنم ضربات دشمن ادامه خواهد داشت تا ما امکان حمله نداشته باشیم؛ چرا که رژیم به خاطر وسعت کم خود به شدت ضربه‌پذیر است. حتی بعید نیست به بهانه‌های آمریکا را هم وارد این درگیری کنند تا بتوانند نتیجه نهایی مطلوب خود را بگیرند.

ملزومات واکنش‌های نظامی و سیاسی

در حوزه دیپلماسی نیز گام‌هایی بردارد که پیام روشنی به دشمن بدهد و قوت قلبی برای مردم باشد. برای مثال، هنوز اعلام نکرده‌ایم که با توجه به این تجاوز، موضعمان در مذاکرات چگونه خواهد بود. یا اینکه تکلیفمان با ان‌پی‌تی چه خواهد شد؟ پیش‌تر گفته بودیم اگر شورای حکام موضع‌گیری خصمانه‌ای علیه ایران داشته باشد، احتمال خروج از این پیمان وجود دارد. حال که این تجاوز رخ داده، انتظار این است که تصمیم‌گیری نهایی در این باره سریع‌تر اعلام شود. نکته اینجاست که واکنش نظامی، زمان و محاسبه دارد. ممکن است از فرصت غفلت دشمن بهره بگیریم، اما واکنش‌های سیاسی می‌تواند زودتر، روشن‌تر و قاطع‌تر اعلام شود و آثار روانی مثبتی بر جامعه بگذارد. مردم باید بدانند نظام فقط به پاسخ نظامی فکر نمی‌کند؛ بلکه همه ابعاد را دیده و برای هر حوزه برنامه دارد. امروز مردم ایران در صحنه هستند، آماده‌اند و منتظرند تا ببینند حاکمیت چگونه تصمیم می‌گیرد. تصمیم‌هایی که اگر با شفافیت، قاطعیت و به موقع اعلام شوند، خود به تنهایی یک ضربه به دشمن است.

عباس سلیمی نمین، تحلیلگر سیاسی



در روزهای پس از حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی به کشورمان، یک نکته بسیار مهم و قابل توجه، حفظ آرامش عمومی در جامعه است. افکار عمومی نه تنها دچار التهاب نشد، بلکه با متانت، ایستادگی و هوشیاری، صحنه را تحلیل کرد و با رفتار رسانه‌ای دقیق و سنجیده نشان داد ایران اسلامی آماده عبور از این مرحله نیز هست.

در حوزه رسانه‌ای، انصافاً شاهد یک تغییر مهم بودیم. خبررسانی با آرامش، وزن و وقار دنبال شد و مدیریت افکار عمومی به‌خوبی صورت گرفت. اما واقعیت این است که این سطح از مدیریت رسانه‌ای، باید از سوی سیاست‌گذاران نیز با اقدام‌های محتوایی پشتیبانی شود. تا امروز، بیشتر بحث‌ها حول محور «واکنش نظامی» بوده است؛ واکنشی که بی‌تردید در زمان مقتضی و با دقت بالا صورت خواهد گرفت، اما مسئله مهمی که نباید از آن غافل شویم، «واکنش سیاسی» است. جمهوری اسلامی ایران باید همزمان با آمادگی نظامی،

صدای همدلی بلندتر از انفجار است



ناییش احمدی | با صدای انفجارهای سهمگین صبح روز جمعه ۲۳ خرداد، قلب هر ایرانی در سراسر وطن لرزید. این حمله که از سوی ارتش رژیم صهیونیستی به سایت‌های هسته‌ای و مراکز نظامی ایران انجام شد، نه فقط سازه‌های فیزیکی را به لرزه درآورد، بلکه باری دیگر، سازنده اتحادی از جنس همدلی و همدردی بین تمام اقشار جامعه شد. در این میان بسیاری از هنرمندان و فعالان فرهنگی به حملات بامداد جمعه رژیم صهیونیستی به تهران و برخی دیگر از شهرهای ایران واکنش نشان دادند. رضا صادقی، محسن چاوشی، مژده لواسانی، داریوش ارجمند، میثم ابراهیمی، ژیلای صادقی، امیرعلی اکبری، شهربانو منصوریان، تیوی بیفوما، حسن یزدانی، محمد انصاری، بهداد سلیمی، ملی‌پوشان قالیق‌رانی، بازیکنان تیم ملی والیبال، فرزین محدث، آریتا ترکاشوند، علیرام نورایی، آرمان درویش، سیدمحمود رضوی، فریبرز عرب‌نیا، علی ضیا، بابک خواجه‌پاشا، داریوش فرضیایی،

علی زندوکیلی، میثم مطیعی، عباس جمشیدی‌فر، شاهرخ استخری، سیدعلی صالحی، غزل شاکری، نجم‌الدین شریعتی، شبنم قلی‌خانی، هومن حاجی‌عبداللہی، بهاره رهنما، پرویز پرستویی، ستاره اسکندری، مارال بنی‌آدم، الهام پاونژاد، شبنم مقدمی، محمدرضا گلزار و... از جمله چهره‌هایی هستند که هرکدام به‌شکلی متفاوت در قالب استوری، ویدئو، توییט و غیره به آنچه در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ رخ داده است واکنش نشان دادند. شهرهای ایران زیر باران موشک‌ها و پهپادهایی بودند که جان عزیزان بسیاری را گرفت. در میان آوارها، خبر شهادت فرماندهان شجاع سپاه و دانشمندان نخبه کشور، همچون سروی سوگوارانه در دل وطن پیچید که در دل این شب سیاه هنوز نور امید می‌درخشد. ایران امروز بیش از هر زمان به همبستگی نیاز دارد. امروز زخم‌هایمان تازه است، اما ایستادگی‌مان محکم‌تر. باشد که بانگ همدلی ما نغمه‌ای تازه بسازد برای روزی که آسمان ایران دوباره پاک و دل‌های ایرانی دوباره آرام شود.